

سرمقاله



امیر افشارفوتوحی
دبیر تحریریه

وداع تاریخی در محاصره سیاسی کاری!

در روزهایی که به مراسم تشییع رهبر قائد شهید نزدیک می‌شویم، انتظار می‌رود همه دستگاه‌ها و نهادها برای برگزاری هرچه باشکوه‌تر این وداع ملی و تاریخی، ذیل یک ستاد واحد حرکت کنند. اما آنچه بیش از هر چیز جلب توجه می‌کند، تعدد صداها و انتشار اخبار بعضاً متناقض از سوی افرادی است که خارج از سازوکار رسمی اطلاع‌رسانی ستاد مراسم سخن می‌گویند.

برای مراسم با این ابعاد ملی، از ابتدا ستادی مشخص تشکیل و مرجع رسمی اطلاع‌رسانی نیز تعیین شد تا از بروز هرگونه ابهام، گمانه‌زنی و آشفتگی خبری جلوگیری شود.

با این حال، در هفته‌های اخیر بخشی از اخبار و جزئیات مراسم نه از سوی ستاد، بلکه از تریبون برخی مدیران شهری منتشر شده و می‌شود؛ اظهاراتی که عملاً شهرداری را در جایگاهی فراتر از یک نهاد پشتیبان و اجرایی قرار می‌دهد.

نخستین نشانه‌های این روند را می‌توان در اظهارات معاون فرهنگی شهرداری تهران مشاهده کرد. تاجایی که دفتر رهبر شهید آن را تکذیب و تأکید کرد تمام جزئیات مراسم از طریق پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار ایشان خواهد بود.

نمونه دیگر آن، سخنان علیرضا زاکانی، شهردار تهران، درباره احتمال برگزاری مراسم تشییع در عراق بود؛ موضوعی که بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌ها داشت اما ساعاتی بعد با توضیحات خود وی همراه شد و تأکید کرد که هنوز هیچ تصمیم قطعی در این باره اتخاذ نشده است.

اما ماجرا به همان جا ختم نشد. در تازه‌ترین مورد، معاون فرهنگی شهرداری تهران مجدداً به تشریح برنامه‌ها، مسیرها و تمهیدات اجرایی مراسم پرداخت؛ اظهاراتی که بار دیگر این پرسش را مطرح کرد که مرجع رسمی اعلام جزئیات مراسم کجاست و چه نهادی باید درباره برنامه‌های قطعی سخن بگوید. همین روند سرانجام واکنش مستقیم محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور و رئیس ستاد ملی وداع و تشییع رهبر شهید را در پی داشت. عارف با لحنی کم‌سابقه اعلام کرد هیچ فرد، دستگاه، نهاد یا حتی عضو ستاد و غیرستاد مجاز به انتشار اخبار و اعلام برنامه‌ها خارج از سازوکار تعیین شده نیست و هر خبر یا اطلاعاتی خارج از مجاری رسمی، فاقد اعتبار و جعلی است.

این موضع‌گیری صریح، خود به تنهایی حامل پیامی روشن بود. اهمیت این واکنش در آن است که نه در پاسخ به یک شایعه یا خبر کذب، بلکه در واکنش به روندی مطرح شد که طی آن برخی مسئولان اجرایی، عملاً در جایگاه مرجع خبر و اطلاع‌رسانی قرار گرفته‌اند. اگر چنین ضرورتی وجود نداشت، رئیس ستاد ملی نیز نیازی به صدور چنین هشدار صریحی نمی‌دید.

با وجود همه این انتقادات، شهرداری تهران در این مراسم نقشی مهم و غیرقابل انکار در حوزه پشتیبانی، خدمات شهری و حمل‌ونقل دارد. اما پرسش اینجاست که چرا بخشی از بدنه مدیریتی آن ترجیح می‌دهند پیش از ستاد مراسم سخن بگویند؟ در مراسمی که قرار است جلوه‌ای از انسجام ملی باشد، تعدد تریبون‌ها نه به شفافیت کمک می‌کند و نه به اعتماد عمومی.

از همین رو، انتشار اخبار، آن هم پیش از اعلام رسمی، خواه‌ناخواه این تصور را ایجاد می‌کند که شهرداری تهران در تلاش است سهم خود را نه فقط در میدان خدمت، بلکه در میدان روایت و خبررسانی نیز به نمایش بگذارد. کاری که پیش از این در محتوای تجمعات خیابانی صورت گرفت و با تذکر مراجع ذی صلاح مواجه شد.

هدف از این پیش‌دستی‌ها هرچه باشد، نتیجه آن در افکار عمومی یکسان است؛ تقویت شائبه سهم‌خواهی در رویدادی که اساساً نباید محل رقابت برای دیده شدن باشد. مردمی که چشم به برگزاری باشکوه این مراسم دوخته‌اند، بیش از هر چیز انتظار هماهنگی، انسجام و یک‌صدایی دارند؛ نه رقابت میان تریبون‌هایی که هر کدام می‌کوشند چند گام جلوتر از مرجع رسمی حرکت کنند.

در چنین شرایطی، شاید مهم‌ترین کمکی که می‌توان به این مراسم کرد، کاستن از حاشیه‌ها باشد نه افزودن بر آنها. در غیر این صورت، این خطر وجود دارد که بخشی از انرژی و تمرکز که باید صرف برگزاری یک وداع تاریخی شود، صرف پاسخ به این پرسش شود که چرا بعضی تریبون‌ها بیش از آنکه نگران اصل مراسم باشند، نگران جانمندان از روایت آن هستند.

نام «آقای قاضی» تغییر کرد

فصل سوم مجموعه تلویزیونی «آقای قاضی» با عنوان جدید «قاضی بیگی» و با پدیدآوردن سجاد مهرگان و تهیه‌کنندگی میثم مهدوی، از جمعه پنجم تیر از شبکه دو سیما روی آنتن رفت.

این مجموعه در فصل جدید با رویکردی متفاوت، به طرح و بررسی مسائل حقوقی و قضایی در قالب داستان‌های نمایشی مبتنی بر واقعیت می‌پردازد.

فصل نخست «آقای قاضی» در سال ۱۴۰۱ و فصل دوم آن با عنوان «شعبه ۱۲۱» در سال ۱۴۰۲ روی آنتن رفت.

فصل سوم این مجموعه که سرپرستی نویسندگان آن را حسین برکتی بر عهده دارد نیز در ۲۶ قسمت تولید شده و از شب گذشته پخش خود را آغاز کرده و قرار است و پنجشنبه و جمعه هر هفته از شبکه دو سیما پخش می‌شود.



صباخبر

روایتی از «خانواده محمد» در زمان جنگ

مستند «خانواده محمد» به کارگردانی علی ثقفی و تهیه‌کنندگی علی خواجه و علی ثقفی مراحل تولید خود را پشت سر گذاشته و اکنون در مرحله پس‌تولید قرار دارد.

این مستند روایت زندگی محمد، جوان ۳۰ ساله افغانستانی است که پدرش پس از جنگ ایران و عراق برای فرار از ناامنی به صورت قانونی به ایران مهاجرت می‌کند. محمد که همراه با خواهران و برادرانش در ایران متولد و بزرگ شده‌اند برای ساخت

آینده‌ای بهتر به همراه همسرش تلاش می‌کند تا با کار و زندگی آبرومندانه آینده خود را بسازند. وی در آستانه سال نو، برای کسب و کار کوچک خود برنامه‌ریزی کرده اما آغاز جنگ در اسفند ۱۴۰۴ شرایط زندگی خانواده را تغییر و تعطیلی کار و بیکاری مشکلات تازه‌ای ایجاد کرد. مستند «خانواده محمد» محصول سازمان هنری رسانه‌ای اوج است.



ایسنا

گفت‌وگوی صبا با انوش معظمی، بازیگر:

نقش حرمله را با هیچ چیز عوض نمی‌کنم



ناصر ارباب - نقش حرمله در سریال «مختارنامه» یکی از ماندگارترین نقش‌های منفی در آثار تاریخی و مذهبی تلویزیون ایران است؛ شخصیتی که به واسطه روایت واقعه عاشورا و شهادت حضرت علی اصغر (ع)، واکنش‌های زیادی از سوی مخاطبان به همراه داشت. انوش معظمی، بازیگر این نقش، پس از سال‌ها همچنان معتقد است حضور در این نقش برای او بیش از یک تجربه بازیگری بوده و آن را اتفاقی مرتبط با باورهای شخصی‌اش می‌داند.

انوش معظمی درباره نگاه امروزش به نقش حرمله پس از گذشت سال‌ها به خبرنگار صبا گفت: «راجع به خود نقش حرمله بارها در مصاحبه‌های مختلف صحبت کرده‌ام، اما بعد از این سال‌ها زاویه نگاهم به این نقش بیشتر از همیشه به بُعد معنوی آن برمی‌گردد. محبت امام حسین (ع) و لطف حضرت علی اصغر (ع) را پشت این اتفاق می‌بینم. این نقش برای من تبدیل به برکت شده است.»

او ادامه داد: «من هیچ‌وقت نگاه مادی و اقتصادی به این نقش نداشته‌ام. اگر بخواهم با امام حسین (ع) با معیارهای دنیایی معامله کنم، قطعاً بازنده‌ام. نگاه من به این نقش از اعتقادات و باورهایم می‌آید. معتقدم امام حسین (ع) دست محبتش را روی سر من گذاشته و این چیزی نیست که با هیچ چیز عوضش کنم.»

این بازیگر با اشاره به تأثیر این نقش در مسیر کاری‌اش افزود: «شاید این نقش باعث شده باشد بعضی نقش‌ها یا فرصت‌ها را از دست بدهم، اما معیار من برای انتخاب حرمله این نبوده است. اگر قرار باشد فقط با نگاه حرفه‌ای و اقتصادی به آن نگاه کنم، تصمیم دیگری می‌گرفتم؛ اما برای من این نقش از جنس علاقه و ارادت است.»

معظمی درباره احتمال بازی دوباره در نقش‌های منفی با موضوعات مذهبی نیز گفت: «اگر دوباره چنین نقشی پیشنهاد شود، حتی اگر شخصیت منفی

صباخبر

باشد، با طیب خاطر می‌پذیرم. چون معیار من فقط دنیایی و مادی نیست. عشق به ابا عبد الله (ع)، کربلا و شعور حسینی چیزی است که باعث می‌شود این انتخاب را دوباره انجام بدهم.»

او با اشاره به حضورش در فضای رسانه‌ای و حرفه بازیگری گفت: «همیشه از امام حسین (ع) خواسته‌ام که در این مسیر من را به خودم واگذار نکند. ممکن است آدم در این شغل دیده شود، شناخته شود و مورد توجه قرار بگیرد، اما برای من مهم این است که همیشه همان نوکر کوچک و خاکی امام حسین (ع) بمانم.»

بازیگر نقش حرمله در پایان گفت: «افتخار می‌کنم در هیئت‌ها و مراسم امام حسین (ع) حضور داشته باشم و خدمتگزار عزاداران باشم. اگر در این مسیر بتوانم حتی یک قدم کوچک بردارم، برایم ارزشمند است.»

هالیوود برای اسکار تام کروز بسیج شد

تام کروز این روزها با موجی از حمایت‌ها و یک کمپین گسترده از سوی برادران وارنر برای کسب نخستین اسکار رقابتی خود در مرکز توجه قرار گرفته است؛ کمپینی که پس از انتشار تیزری ۳ دقیقه‌ای از فیلم «دیگر» شکل جدی‌تری به خود گرفته است. در این تیزر، بخش عمده‌ای از تصاویر به مونتاژی از آثار شاخص کارنامه او اختصاص داشت که به‌عنوان مقدمه‌ای برای فصل جوایز تفسیر شده است.



کروز در فیلم «دیگر» نقش یک سرمایه‌دار نفتی را بازی می‌کند که در مواجهه با یک بحران جهانی، به مسیری غیرمنتظره کشیده می‌شود. تغییر چهره و گریم سنگین او نیز از نکات مورد توجه منتقدان برای فصل جوایز عنوان شده است.

با وجود چهار نامزدی اسکار در کارنامه، او تاکنون جایزه بازیگری نگرفته و حالا برخی معتقدند «دیگر» بهترین شانس او در بیش از دو دهه گذشته است. چهره‌هایی چون مایکل مان، جی. جی. آبرامز و بن استیلر نیز از کمپین حمایت از این فیلم پشتیبانی کرده‌اند.

مهر

«آن بلایت» بازیگر فیلم «میلدرد پیرس» درگذشت

«آن بلایت»، بازیگر دوران طلایی هالیوود و نامزد جایزه اسکار فیلم «میلدرد پیرس»، در ۹۸ سالگی درگذشت. جرج پناکیو از شبکه کی‌ای‌بی‌سی خبر داد که این بازیگر چهارشنبه گذشته در آرامش چشم از جهان بسته است.

بلایت متولد ۱۶ اوت سال ۱۹۲۷ در نیویورک بود و از کودکی وارد دنیای بازیگری شد. او فعالیت خود را از برنامه‌های رادیویی آغاز کرد و سپس در نوجوانی روی صحنه تئاتر برادوی حضور یافت و با کمپانی یونیورسال قرارداد



بست. نقش آفرینی او در فیلم «میلدرد پیرس» در ۱۶ سالگی، در نقش دختر شخصیت اصلی با بازی «جوان کرافورد»، برایش نامزدی اسکار بهترین بازیگر نقش مکمل زن را به همراه داشت و او را به شهرت رساند.

«آن بلایت»، در دهه‌های بعد در فیلم‌ها و مجموعه‌های تلویزیونی متعددی حضور داشت و همچنین در آثار مطرح تئاتری مانند «آوای موسیقی» و «کشتی نمایش» روی صحنه رفت و یکی از چهره‌های فعال هنرهای نمایشی باقی ماند.

سی‌نما